

مهارت‌های روان‌شناسی معلمی

با من صحبت کن نه درباره من!

منش معلمی و گفت‌وگوی حرفه‌ای

دکتر لیلا سلیقه‌دار

معلم و جویشرک‌تعلیم و تربیت



یکی از رفتارهای مرتبط با حرفه‌مندی معلمان، گفت‌وگوست. معلم همانند دیگر کارکنان در هر سازمانی با همکاران، مدیر و دیگر مخاطبان ارتباط دارد. در عین حال، ارتباط کلامی از جمله ضرورت‌ها در برگزاری هم‌اندیشی‌هایی مانند درس‌پژوهی، درس‌کاوی و رفع مسائل آموزشی با مشارکت معلمان است. با این همه، محدودیت‌ها و چارچوب‌های خاصی برای داشتن گفت‌وگوی حرفه‌ای مورد نیازند. در هر زمینه از ارتباط که شامل ارتباط با همکاران، کارکنان مدرسه، دانش‌آموزان و والدین آن‌هاست، نقش معلمی اقتضا می‌کند گفت‌وگو ویژگی‌های خاصی داشته باشد. بخشی از این ویژگی‌ها در این نوشته آمده‌اند.

شما چگونه فردی هستید؟!

با همکارانم درباره دانش آموزان و اتفاقات کلاسی صحبت می‌کنم. در ساعت تفریح غالباً درباره وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه با همکاران بحث می‌کنم. در مدرسه درباره موضوعات و اتفاقات زندگی شخصی با همکارانم صحبت می‌کنم. در جلسات گفت‌وگوی تخصصی با همکاران، مانند درس کاوی، شرکت می‌کنم.

پاسخ شما به هر یک از سؤالات یادشده، نماینده بخشی از واکنش‌ها و رفتارهای شما در ارتباط با همکاران است. این گزاره‌ها در نوشتار حاضر بیشتر بررسی می‌شوند. در هر زمینه، ابتدا پاسخ و رفتار خود را مورد نظر قرار دهید و سپس با نگاه نقادانه مطالب را مطالعه کنید.

صمیمیت کاری!

تعیین فاصله و رعایت تعادل در ارتباط با دیگران همیشه کار سختی بوده است و همه موفق به رعایت آن نمی‌شوند. اینکه بتوانید با همکاران صمیمی باشید اما در عین حال، موضوعات کاری و همکاری را از دوستی و صمیمیت جدا کنید، بسیار اهمیت دارد. ممکن است برخی ملاحظات برای حفظ دوستی منجر شود که از نقش معلمی و همکاری فاصله گرفته شود. برای مثال، هنگامی که همکار شما وظیفه دارد اموری را بر عهده بگیرد و به انجام برساند اما به دلیل اینکه به لحاظ دوستی با شما یا دیگری دچار مشکل شده است، از وظایف خود سرباز می‌زند، این نشان می‌دهد که نه تنها موضوع دوستی و صمیمیت به صورت نادرستی با کار درگیر شده است، بلکه سوءاستفاده و خسارت حرفه‌ای را نیز فراهم آورده است و چنین چیزی از قاعده شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان هم خارج است.

تجربه کلاسی

تازه به جمع همکاران این مدرسه اضافه شده بودم. دلیل این جابه‌جایی، تغییر محل سکونت بود و از این بابت خوش حال نبودم، زیرا در مدرسه قبلی سال‌ها خدمت کرده بودم و همکاران با هم مانند اعضای خانواده ارتباط داشتند. شرایط خوب مدرسه قبل باعث شده بود به لیخند و نوع استقبال همکاران جدید حساسیت بیشتری نشان دهم. همکار هم‌پایه من از جمله معلمان تازه‌وارد به مدرسه بود و به نظرم آمد که این موجب خوش‌شانسی من است که هر دو تجربه یکسان و مشابهی داریم. از همان ابتدا ارتباط خوبی بین ما شکل گرفت و احساس دوستی زیادی با او داشتیم. با تکیه بر همین دوستی، بسیاری از امور مشترک را که او از من درخواست می‌کرد،

خودم انجام می‌دادم. یکی از دفعات که قرار شد نمونه سؤالات ماهانه را به مدرسه ارائه بدهیم، همکار هم‌پایه من بخشی از کار را به عهده گرفت و من هم پذیرفتم که به صورت جداگانه هر کدام روی بخشی از کتاب کار کنیم و در نهایت سؤالات را به یکدیگر تحویل بدهیم. تقریباً کار من تمام شده بود که همکارم گفت چون تولد فرزندش نزدیک است، نتوانسته است بخش مربوط به خودش را تمام کند. من هم پذیرفتم که در زمان اندک باقی‌مانده این کار را انجام دهم. بعد از تمام‌شدن طراحی، سؤالات را که در زمان کم و پا عجله تنظیم کرده بودم، در اختیار او گذاشتم و طبق روالی که قبلاً تجربه کرده بودم، از او خواستم موارد را بررسی کند و اگر اشتباهی رخ داده است، یا به من اطلاع دهد یا خودش آن را برطرف کند. بعد از یک روز، با یادآوری من، اعلام کرد مشکلی نیست و نمونه سؤالات را برای آماده‌سازی تکثیر به مدرسه ارائه دادیم. نمونه‌ها تکثیر شدند و به دست دانش‌آموزان رسیدند تا در پایان هفته در خانه به صورت غیرحضوری به آن‌ها پاسخ دهند و هفته بعد جواب‌ها را همراه خود بیاورند.

هفته بعد سیلی از پیام‌ها از والدین و برخی دانش‌آموزان به مدرسه رسید، مبنی بر اینکه برخی سؤالات اشتباهاتی داشته‌اند. اتفاق بسیار نادری در سال‌های کاری من بود و موجب اندوه زیادی شده بود. اما غم‌انگیزتر این بود که وقتی در دفتر مدیر مدرسه دور هم جمع شده بودیم، همکارم اعلام کرد اصلاً در جریان این سؤالات نبوده و چون خودش آن‌ها را طراحی نکرده است، حرفی هم برای گفتن ندارد! یک دوستی ناکام و یک تجربه سنگین برای من ایجاد شد. حس کردم چقدر داشتن رابطه کاری باید مهم‌تر و مؤثرتر از رابطه دوستی می‌بود.

بحث غیر حرفه‌ای!

زمانی که در مدرسه حضور دارید محدود است. از سوی دیگر، برخی زمینه‌های مشترک میان معلمان موجب می‌شود گفت‌وگو و ارتباطات مرتبط با مسائل حرفه‌ای شکل گیرند. به همین دلیل لازم و ضروری است از فرصت‌های پیش‌آمده برای گفت‌وگو‌هایی که صرفاً به نتیجه‌ای برای حل مسائل آموزشی و پرورشی منجر می‌شوند استفاده کنید. گفت‌وگو‌های غیر حرفه‌ای معمولاً در زمان محدود فراغت در مدرسه قابل حل نیستند و در نهایت به انتقال صرف اطلاعات بدون تفسیر و بررسی عمیق می‌انجامند. در عین حال، ممکن است برخی گفت‌وگو‌ها به ایجاد هیجاناتی بینجامند که در نهایت معلم را با دنیایی از احساس و افکاری به دور از موضوع تعلیم و تربیت، و دانش‌آموزان و فرایند یاددهی‌یادگیری به کلاس درس بفرستند. بنابراین، در زمان حضور در مدرسه، به‌ویژه در ساعات تفریح که ذهن معلم نیازمند تازه‌شدن و کسب آمادگی برای ورود به کلاس دیگر است، رفتار حرفه‌ای این است که بحث‌های غیر مرتبط با فضای آموزش صورت نگیرند.



جداسازی زندگی شخصی از زندگی حرفه‌ای می‌تواند به تأثیرگذاری بیشتر نقش معلم در مخاطبان کمک کند

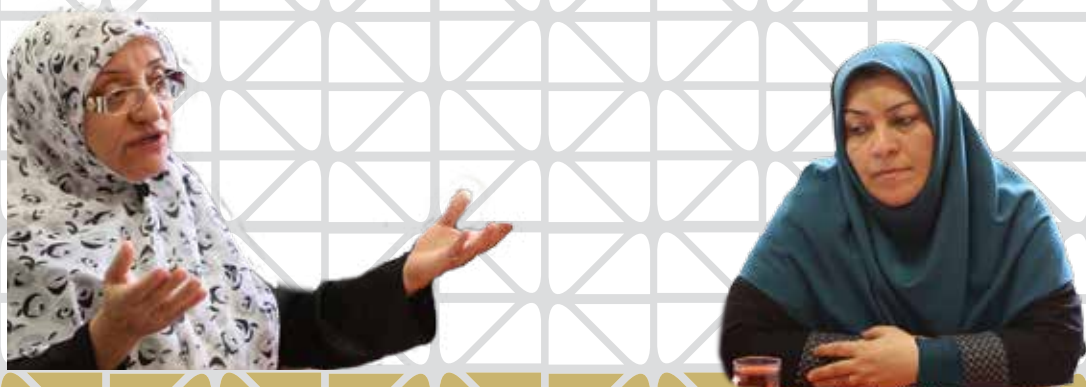
درد دل یا بیراهه

یکی از زمینه‌های گفت‌وگویی میان همکاران در مدرسه، طرح مشکلات و مسائل پیرامونی است. تا زمانی که قالب این گفت‌وگو در نظام‌های حل مسئله مانند درس کاوی و درس پژوهی یا اقدام‌پژوهی و موارد دیگری از این دست صورت نگیرد، این قبیل گفت‌وگوها به نتیجه مناسبی نمی‌رسد و گاهی ممکن است در حد درد دل و اشتراک موضوع با دیگری باقی بماند. در دیدگاه ارتباطات اجتماعی، درد دل کردن به‌نوعی انتشار درد است و کمکی به ایجاد حال خوب در گوینده نمی‌کند. در عین حال، ایجاد یا افزایش حال بد در شنونده را هم به همراه دارد. این در حالی است که اگر مسائل به‌عنوان موضوعی برای حل شدن و در قالب گفت‌وگویی حرفه‌ای طرح شوند، در این صورت می‌توانند اثربخش باشند.

تجربه مدرسه‌ای

ده سال پیش با مدرسه‌ای به‌عنوان معلم همکاری می‌کردم که مدیریت عجیبی داشت. تیم مدیریت مدرسه کارشکنی‌های زیادی داشتند و گاهی برای امور ساده‌ای مثل گزارش غیبت و

تأخیر دانش‌آموزان مجبور می‌شدیم ساعت‌ها معطل شویم یا در انتظار بمانیم. در آن مدرسه اشفته، همکاری داشتم که به‌طور مداوم از وضعیت شکایت می‌کرد و البته شکایت‌های او کاملاً درست اما بی‌فایده بود. هر روز شاهد رنج او بودم که مثلاً آزمون کلاسی‌اش به خاطر بی‌نظمی عوامل اداری مدرسه به تأخیر افتاده یا برنامه‌اش تغییر یافته، چون مدرسه هماهنگی درستی در این باره نداشته است. من خیلی تلاش می‌کردم اگر می‌توانم برای او کاری انجام دهم. آن سال من از آن مدرسه رفتم و اتفاقاً مدیر هم تغییر پیدا کرد. امسال به‌طور اتفاقی با همان همکار در یک مدرسه مشترک هستیم. من چند سالی است در این مدرسه فعالیت می‌کنم و آن را یکی از منظم‌ترین، متعهدترین و با برنامه‌ترین مدرسه‌هایی می‌دانم که تاکنون تجربه کرده‌ام. همکار جدیدمان از همان ابتدای ورود لب به شکایت باز کرد. هر روز موضوع تازه‌ای دارد که اعتراض و گلایه کند. اوایل سال مانند گذشته تلاش می‌کردم با توضیح دادن شرایط، ذهن او را آگاه کنم. تصور می‌کردم چون نمی‌داند این‌گونه شکایت می‌کند. کم‌کم متوجه شدم او برای موضوعاتی که نسبت به آن‌ها گلایه دارد، هیچ تلاشی نمی‌کند



مهم‌ترین نکته در گفت‌وگوهای حرفه‌ای، تمرکز بر مسئله و جست‌وجوی شیوه‌های حل آن است

شخصی محفوظ بمانند و وارد زندگی حرفه‌ای معلم نشوند. درست همانند زمانی که معلم در کلاسی تدریس می‌کند که فرزندش در همان کلاس دانش آموز است. او ناگزیر است و توصیه می‌شود برای فرزندش در کلاس، همانند دیگر دانش آموزان، تنها معلم باشد و نقش والدگری را به بیرون از مدرسه منتقل کند.

تجربه مدرسه‌ای

همکاری دارم که بسیار محبوب است. کارش را بلد است و به همین دلیل در میان همکاران و نیز دانش آموزان جایگاه ویژه‌ای دارد. برخی مواقع مورد پرسش‌ها و درخواست‌هایی قرار می‌گیرد که مخاطبان تمایل دارند درباره او بیشتر بدانند. او که در صفحات اجتماعی چهره سرشناسی است، پاسخ جالبی دارد و می‌گوید، اگر نام مرا جست‌وجو کنید، بسیاری از آنچه را دوست دارید بدانید دریافت می‌کنید، اما این دلیل نمی‌شود من آن‌ها را با شما در میان بگذارم یا بخواهید درباره خانواده و موضوعات شخصی با شما صحبت کنم. برای شما این حد از اطلاعات که تاکنون گفتم کافی است؛ اینکه معلم شما هستیم. این پافشاری بر رعایت حرفه‌مندی قابل تحسین است.

و در عین حال بخش بیشتری از صحبت‌هایش ناروا و نادرست هستند. در نهایت به این نتیجه رسیدم که او به این کار عادت دارد و اصلاً برایش مهم نیست تا چه اندازه سخنش به حق است، یا اهمیتی ندارد مسئله حل شود، زیرا کوچک‌ترین حرکتی برای رفع موضوع نمی‌کند.

محدوده زندگی شخصی و زندگی حرفه‌ای

معلم هم زندگی شخصی خودش را دارد؛ با تمام فراز و فرودهایی که هر کسی ممکن است در زندگی داشته باشد. او خانواده دارد و ممکن است در خانواده اختلاف‌نظرهایی هم پیش بیاید؛ مسائل و بالا و پایین‌های اقتصادی، بیماری خود یا اعضای خانواده، جابه‌جایی منزل و بسیاری موارد دیگر که چندان دور از ذهن و عجیب نیستند. با این همه، معلم مجاز نیست اتفاقات و رخدادهای شخصی و خانوادگی خود را با دانش آموزان در میان بگذارد یا اطلاعات شخصی سایرین را به دیگر همکاران منتقل کند. ممکن است دانش آموزان یا برخی همکاران به آشنایی بیشتری علاقه‌مند باشند، یا به دلیل نسبت فامیلی یا همسایگی در بیرون از مدرسه مراددهایی باشند. اما در مدرسه شایسته است محدوده‌های زندگی